

Analysis of Humor Methods in Alireza Ghazveh's Andimeshk Train Poetry Collection, Based on the General Theory of Verbal Humor

Tahereh Ishany¹, Fatemeh Nouri²

Type of article: Original research

Received: 15 September 2024, Accepted: 22 November 2024

Doi: 10.22034/rrl.2025.726557

Abstract

Alireza Ghazveh stands as one of the pivotal figures of the third wave of revolutionary poetry and sacred defense literature. His works are distinguished by their simplicity of language, a spirit of protest, and an unflinching engagement with societal issues, which he articulates primarily through free verse and, at times, humorous poetry. This study employs the General Theory of Verbal Humor (GTVH), which encompasses six fundamental variables, to analyze Ghazveh's use of humor in his poetry collection *Andimeshk Train*. Utilizing a descriptive, analytical, and statistical methodology, the research addresses the following questions:

1. What are the defining characteristics of Ghazveh's humorous poems, as delineated by the General Theory of Verbal Humor?
2. What objectives does Ghazveh pursue through the deployment of verbal humor?
3. Which components of humor, according to the aforementioned theory, are most prominently utilized by the poet, and what significance does this hold?

The findings reveal that all six characteristics of verbal humor are distinctly manifested in Ghazveh's satirical poetry. Through humor, he channels his critiques and objections, employing irony as a particularly striking device to lay bare societal realities and their inherent bitterness. Furthermore, the study identifies the components of opposition and logical mechanism as the most frequently employed elements in Ghazveh's *Andimeshk Train*. These two components not only underpin the humorous quality of his work but also serve as a stylistic hallmark of his satirical verse. This research underscores the interplay of humor and critique in Ghazveh's poetry, highlighting its role as both a literary and socio-political instrument.

Keywords: Resistance literature, Humor, Alireza Ghazveh, General theory of verbal humor

1. Associate Professor of Persian Language and Literature, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran.

Email: tahereh.ishany@gmail.com

 0000-0003-1323-5039

2. Master's student in Sustainability Literature, Soureh International University, Tehran, Iran (Corresponding author). Email: fatemehnouri8672@gmail.com

تحلیل شیوه‌های طنز در مجموعه شعر «قطار اندیمشک» علیرضا قزوه بر اساس نظریه عمومی طنز کلامی

طاهره ایشانی^۱، فاطمه نوری^۲

دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۵، پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۲

DOI: 10.22034/rri.2025.726557

چکیده

علیرضا قزوه که به عنوان یکی از ارکان مهم در موج سوم شعر انقلاب و دفاع مقدس شناخته شده؛ تفکرات خود را با زبانی ساده بیان کرده است. علیرضا قزوه در این مجموعه شعر، تفکرات خود را با زبانی ساده و در عین حال طنز بیان کرده است. با توجه به اینکه بیشتر اشعار طنزآمیز قزوه، در مجموعه شعر *قطار اندیمشک* جمع‌آوری شده و شامل گزیده‌ای از شش دفتر اشعار وی است، و همچنین سروده‌های این دفتر مربوط به سال‌های شاعری او از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳ است؛ در این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه عمومی طنز کلامی که شامل شش متغیر پایه است، شیوه‌های طنزپردازی علیرضا قزوه در این مجموعه شعر بررسی و تحلیل می‌شود و با روش توصیفی تحلیلی و آماری به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد: بر اساس نظریه عمومی طنز کلامی، ویژگی‌های اشعار طنز قزوه کدامند؟ و این که قزوه با بهره‌گیری از طنز کلامی در پی دستیابی به چه اهدافی است؟ همچنین بر اساس نظریه یادشده، این شاعر از کدام یک از مؤلفه‌های طنز بیشترین استفاده را داشته است؟ و این امر نشانه چیست؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهد شش ویژگی طنز کلامی در اشعار طنز قزوه دیده می‌شود و ضمن اینکه او با بهره‌گیری از عناصر طنز کلامی، اعتراضات و انتقادات خود را در قالب طنز بیان کرده؛ از جمله ویژگی‌های بارز شعرهای طنزآمیز وی، استفاده از کنایه برای به تصویر کشیدن بسیاری از واقعیت‌ها و تلخی‌های جامعه است. همچنین به این مهم دست یافتیم دو مؤلفه تقابل انگاره و مکانیسم منطقی بیش از دیگر مؤلفه‌ها، در این مجموعه شعر قزوه کاربرد داشته که این دو مؤلفه، نقش بسیار مهمی در طنزآمیز شدن شعر وی بر عهده داشته‌اند. به طوری که می‌توان از آن به عنوان شاخص سبکی این نوع اشعار طنزآمیز وی یاد کرد.

۱. دانشیار پژوهشکده زبان و ادبیات، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

Email: tahereh.ishany@gmail.com

0000-0003-1323-5039

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته ادبیات پایداری، دانشگاه بین‌المللی سوره، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: fatemehnouri8672@gmail.com

کلیدواژه‌ها: مجموعه شعر قطار اندیمشک، طنزپردازی، علیرضا قزوه، نظریه عمومی طنز کلامی

۱. مقدمه و بیان مسئله

با توجه به اینکه رویکرد مورد نظر در این جستار «نظریه عمومی طنز کلامی» است؛ لازم است اشاره‌ای به مفهوم واژه طنز داشته باشیم.^۱ این واژه در اصل از زبان عربی به زبان فارسی راه یافته و به معنای تمسخر و استهزاء است و در اصطلاح ادب معاصر به آن دسته از آثار ادبی اطلاق می‌شود که با دستمایه طعنه و استهزاء، به نشان دادن عیب‌ها، زشتی‌ها، نادرستی‌ها و کژی‌های فرد و جامعه می‌پردازند (بهزادی اندوهجردی، ۱۳۸۷: ۱۲۲). همچنین گفته شده: «طنز، هجو اجتماعی، معترض و اصلاح‌گر است» (مهرآوران و روان‌بخش، ۱۳۹۹: ۱۵۰) که البته پارس‌پور و خوئینی به صورتی جزئی‌تر، طنز را از هجو متمایز می‌نمایند و بر این باور هستند که «طنز، انتقاد غیرمستقیم از کج‌روی‌های جامعه، با بیانی خنده‌آور، برای اصلاح کاستی‌هاست. هرچقدر شرایط سیاسی و اجتماعی خفقان‌آورتر و فاصله طبقاتی بیشتر شود دموکراسی و آزادی بیان کمرنگ‌تر گردد؛ طنز به عنوان سلاحی برای انتقاد بیشتر رواج می‌یابد. طنز با فکاهی تفاوت دارد؛ زیرا برعکس فکاهی هدف آن صرف خنداندن نیست. از طرفی طنز با هجو نیز تمایز دارد، زیرا هدف آن مانند هجو، شخصی و انتقام‌جویانه نیست» (پارس‌پور و خوئینی، ۱۳۹۵: ۲).

از سوی دیگر، «طنز به تمام آثار اطلاق می‌شود که در آنها با استفاده از فنون رایج ادبی، معایب و مفاسد اجتماعی به طعنه و تمسخر گرفته شود. درواقع طنز، طرز یا گونه‌ای از ادبیات است که مزاح، شوخی و شوخ‌طبعی را به هم در می‌آمیزد تا به طرز نکوهش‌بار، رفتارهای زشت و معایب انسان‌ها و جوامع را برملا سازد» (شیری، ۱۳۷۶: ۴۲). شفیع کدکنی نیز با نگاهی اجتماعی و در عین حال هنری، طنز را «تصویر هنری اجتماع نقیضین» می‌داند و می‌نویسد: «طنزهای جاودانه تاریخ آن‌هایی هستند که هنرمند ضمن تصویر هنری اجتماع نقیضین، در خدمت تجاوز به تابوها، به ساختن یک تیپ موفق شود، تیبی که در تاریخ قابل تکرار باشد» (شفیع کدکنی، ۱۳۹۰: ۴۶۹). بنابر این تعاریف،

آشکار است که جنبه اجتماعی طنز پرنرنگ‌تر است و تنها برای خنداندن و یا لذت هنری مورد استفاده قرار نمی‌گیرد؛ بلکه هدفی والا تر که همان اصلاح کاستی‌هاست؛ مورد توجه کاربر آن است. آنچه در اشعار طنزآمیز قزوه به چشم می‌خورد، همین نکته است. او از دیدن برخی مفاسد و معایب اجتماعی آزرده است و سلاحی جز طنز نمی‌یابد تا آنها را بیان کند و جامعه را آگاه نماید.

همین طنزپردازی، شیوه‌ها و روش‌هایی دارد که طنزپرداز از آنها بهره می‌برد. چنان‌که اصلانی درباره شیوه‌ها و تکنیک‌های طنزپردازی بر این باور است که «شیوه‌ها و تکنیک‌هایی که در طنز به کار می‌رود؛ محدود است به: ۱. کوچک کردن ۲. بزرگ کردن ۳. تقلید مضحک از یک اثر ادبی شناخته شده ۴. ایجاد موقعیتی در داستان یا نمایش که به‌خودی‌خود طنزآمیز است. ۵. به کار بردن عین کلماتی که مورد طنز قرار می‌گیرد و ایجاد چارچوبی مضحک برای آن (اصلانی، ۱۳۸۴: ۲۰-۲۵)».

نظریه عمومی طنز کلامی که در این پژوهش به کار گرفته شده؛ نظریه‌ای است که برای تحلیل زبان‌شناختی متون طنز ارائه شده و شامل پنج مؤلفه دانش، تقابل انگاره، مکانیسم منطقی، موقعیت، هدف و زبان است. این نظریه صورت گسترش یافته نظریه انگاره معنایی راسکین است که بر پایه تقابل انگاره‌ها توسط وی در سال ۱۹۸۵ ارائه شده که در مبحث پسین به صورت مشروح توضیح داده خواهد شد.

از سوی دیگر، شایان یادآوری است با توجه به اینکه بیشتر اشعار طنزآمیز قزوه، در مجموعه شعر قطار/اندیمشک جمع‌آوری شده و شامل گزیده‌ای از شش دفتر اشعار وی است، و همچنین سروده‌های این دفتر مربوط به سال‌های شاعری او از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳ است؛ در این پژوهش تلاش شده اشعار طنز قزوه از این کتاب به عنوان نمونه بررسی شود. علیرضا قزوه در این مجموعه شعر، تفکرات خود را با زبانی ساده و در عین حال طنز بیان کرده است. او همچنین دارای روحیه اعتراضی است، در برابر مشکلات و معضلات جامعه خاموش ننشسته و این مشکلات را بیشتر در قالب شعر سپید و گاه طنزآمیز بیان کرده است.

با توجه به زمان سرایش این اشعار که مربوط به زمان

ناگزیر متأثر از ارزش‌های اجتماعی است که بر مردم حاکم است. این ارزش‌ها باید در نهاد هنرمند و ارزش‌های خالص زیبایی‌شناختی‌اش راه یابد و گرنه از جامعه فاصله می‌گیرد و آثارش ناقص و بی‌دنباله خواهد ماند» (ضیف، ۱۳۷۶: ۱۵۰). با توجه به نظرات مختلف دربارهٔ نظریهٔ «ادبیات متعهد» همان‌طور که گفته شد می‌توان ادبیات دفاع مقدس را که نوعی سوگیری و جانبداری از ارزش‌های اجتماعی جامعه است، ادبیات متعهد دانست (ایشانی، ۱۳۹۴: ۳۵). چنان‌که اصطلاح «تعهد» عبارتست از «تمایل به موضوع یا قضیه‌ای خاص و تبدیل تأیید داخلی به تعبیر خارجی از آن تمایل. حال آن موضوع یا قضیه هرچه باشد و از هر نوع و سخنی که باشد فرقی در مفهوم کلی تعهد ندارد. ممکن است موضوع ادبی باشد یا غیر ادبی؛ مثلاً انسانی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و... ممکن است از دیدگاهی خاص جنبهٔ مثبت داشته باشد و از دیدگاهی دیگر جنبهٔ منفی، می‌تواند به یک اعتبار ارزش باشد و به اعتبار دیگر ضد ارزشی. آنچه در تعریف و بیان مفهوم تعهد لحاظ می‌شود، سوگیری و جانبداری است» (رجایی، ۱۳۸۲: ۱۴).

از سوی دیگر، علیرضا قزوه متولد ۱۳۴۲ یکی از شاعران مطرح ادبیات پایداری است. نخستین اشعار انقلابی وی در سال ۱۳۶۰ سروده شد. «شبلی و آتش»، «این همه یوسف»، «یادهای سبز»، «چه عطر شگفتی»، «قدم زدن در کلمات»، «میان ماندن و رفتن» و «عشق علیه السلام» و «قطار اندیمشک» برخی از آثار اوست.

قزوه تفکرات خود را با زبانی ساده و گاه طنزآمیز بیان کرده است. او به عنوان یکی از ارکان مهم در موج سوم شعر انقلاب و دفاع مقدس شناخته شده، اشعاری در قالب دوبیتی، سپید و رباعی منتشر نموده و در بین مردم جایگاهی برای خود به دست آورده است. قزوه دارای روحیه اعتراضی است و در برابر مشکلات و معضلات جامعه خاموش ننشسته و این مشکلات را در اکثر اشعار خود بیان کرده است. به‌طور مثال، شعر «ای خدای آفریننده بادمجان و سازمان ملل» (قزوه، ۱۳۸۴: ۱۵۳) و «خدای آفریننده شورای امنیت و منچ!» (قزوه، ۱۳۸۴: ۳۶) کاملاً طنزآمیز سروده شده‌اند. از دیگر نمونه‌های اشعار طنزآمیز قزوه آن است که وی با آوردن غیرمتعارف کلمه «آقا» بر

جنگ تحمیلی و دفاع مقدس، و همچنین دوران پس از جنگ است؛ ضروری است اشاره‌ای به شرایط حاکم بر جامعه در آن زمان، داشته باشیم. شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در شهریور ماه سال ۱۳۵۹ رویدادی دردناک بود که بر کل جامعه و به تبع آن بر ادبیات کشور تأثیر گذاشت و به مرور آثاری را که در بر دارندهٔ آلام و درونیات جامعه بود، به وجود آمد و ادبیاتی با نام ادبیات دفاع مقدس را به وجود آورد. البته در باب نامگذاری چنین ادبیاتی اختلاف نظرهایی دیده می‌شود؛ چنان‌که با نام‌های ادبیات پایداری، ادبیات جنگ و ادبیات مقاومت نیز عنوان شده است. چنان‌که سنگری معتقد است «دفاع مقدس، نامی است که بر هشت سال ایستادگی و پایداری مردم ایران نهاده شد. هشت سال (شهریور ۱۳۵۹ تا تیرماه ۱۳۶۷) مقاومت مبتنی بر ارزش‌ها و باورهای اصیل اسلامی که عنوان «مقدس» از همان ناشی می‌شود. این هشت سال و پیامدهای آن، ادبیاتی را سامان داده که از آن به «ادبیات دفاع مقدس» یاد می‌کنند» (۱۳۸۹: ۱۱).

از سوی دیگر، ادبیات دفاع مقدس، ادبیات متعهد نیز به شمار می‌رود. چنان‌که می‌دانیم باور «هنر برای هنر» اشاره دارد به عقیدهٔ ارسطو که «هنر هدف و غایتی ندارد و هدفش تنها تأثیر زیبایی‌شناختی بر خواننده و شنونده است» (ضیف، ۱۳۷۶: ۱۰)؛ اما در مقابل این دیدگاه، باور و عقیدهٔ دیگری با عنوان «ادبیات متعهد» وجود داشت. بر این اساس، گروهی جامعه‌گرایان به حمایت از این نظریه پرداختند. چنان‌که «الکساندر دوما - پسر - معتقد بود که ادبیات فاقد هدف ایده‌آل، ادبیاتی ناتوان و بیمار است که توان بقا و جاودانگی ندارد و تولستوی، غایت هنر را در تحقق برادری انسانی و گسترش دین جهانی می‌دید.» (رجایی، ۱۳۸۲: ۲۹) همچنین «شارل لو تأکید می‌ورزد که ارزش‌های حقیقی هنر ارزش‌های اجتماعی است. هنر در جامعهٔ برده‌داری یا استبدادی با هنر در یک نظام دموکراتیک یا جمهوری همانند نیست. هنرمند برای چه کسی به خلق هنری دست می‌زند. برای مردمش این کار را می‌کند و می‌خواهد مردم نیز آنچه را او حس می‌کند، حس کنند و از آنچه او را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تأثیر بپذیرند و با او در تأثیرپذیری‌ها، دریافت‌ها و حس‌هایش همراه شوند. پس زیبایی هنرش

و تحلیل شیوه‌های طنزپردازی در مجموعه شعر طنزآمیز قطار/اندیمشک از علیرضا قزوه بر اساس نظریه علمی و زبان‌شناختی «نظریه عمومی طنز کلامی» است.

۲. سوالات پژوهش

۱. بر اساس نظریه عمومی طنز کلامی، ویژگی‌های این نوع اشعار قزوه کدامند؟
 ۲. قزوه با بهره‌گیری از طنز کلامی در این مجموعه شعر پی دستیابی به چه هدف/اهدافی است؟
 ۳. بر اساس نظریه عمومی طنز کلامی، قزوه از کدامیک از مؤلفه‌های طنز کلامی بیشترین استفاده را داشته است؟ و این امر نشانگر چیست؟
- با توجه به این پرسش‌ها، فرضیات زیر مورد نظر هستند:

۱. به نظر می‌رسد قزوه در آثار منظوم خود، از چهار ویژگی طنز کلامی، شامل شیوه روایت، زبان، مکانیسم منطقی و موقعیت استفاده کرده است.
۲. ویژگی‌های اشعار وی بر اساس نظریه عمومی طنز کلامی را می‌توان شامل قدرت تخیل او به روش اعتراض‌آمیز و نیز گاهی دانش او را با بیان طنزآمیز واقعیت‌های تلخ جامعه دانست که احوال شعرهای خود را به طنز کلامی و کنایه‌آمیز کشانده است.
۳. قزوه با بهره‌گیری در بستر عناصر طنز کلامی خود، به دنبال اعلام کردن اعتراض و انتقاد خود در بسیاری اوقات است.

در اهمیت این پژوهش نیز می‌توان گفت پژوهش‌های فراوانی در باب طنز صورت گرفته و پژوهشگران زیادی از منظرهای متفاوت نظیر علوم اجتماعی، روان‌شناسی، هنر، ادبیات نمایشی، گرافیک و... به مقوله طنز پرداخته‌اند. در این میان پژوهش‌های ادبی که به تحلیل و بررسی طنز در آثار شاعران و نویسندگان مشهور می‌پردازد، سهم بیشتری دارا هستند. کمتر اثر ادبی را می‌توان یافت که به لحاظ زبان‌شناختی و بر پایه نظریه‌های کاربردشناختی مورد تحلیل و بررسی قرار نگرفته باشند. درواقع، بررسی متون ادبی با استفاده از رویکردهای کاربردشناختی می‌تواند راهگشای شیوه‌ای جدید در تحلیل متون طنز باشد.

سر کلماتی که کنایه از صفت اشخاص خاصی است، آشنایی‌زدایی طنزآمیز می‌سازد:

سلام آقای شعار / سلام آقای هوار / سلام آقای سه طبقه / سلام آقای شش طبقه / آقای نه طبقه / آقای محلّل / ... (قزوه، ۱۳۸۴: ۵۸).

شب به خیر آقای میز! / تو را به صندلی‌ات سوگند نمی‌دهم / که از عراق بیرون بروی / به صندلی‌ات سوگند / که تو جز میز هیچ نمی‌فهمی (قزوه، ۱۳۸۴: ۱۵۸) و گاه موصوف را به صفتی غیر متعارف اضافه می‌کند: آی مردان چرت / مردان خط و خطبازی / مردان خرناسه / ... (قزوه، ۱۳۸۴: ۶۲)

همچنین در شعر قزوه گاه طنز از سطح کلمه در می‌گذرد و به جمله و بند می‌رسد:

مادر سه شهید دق کند / امام خون دل بخورد / حلیمه به خاک سیاه بنشیند / و حاج آقا صیغه چهاردهم را بخواند / ... (قزوه، ۱۳۸۴: ۳۶).

-گفتم: چیزی بخوان / گفت: شرمندهم / یک سال است چیزی نگفتم / گفتم: برای عاطفه‌ای که در ما مرده است / رحم الله من یقرء الفاتحه مع الصلوه / (قزوه، ۱۳۸۴: ۳۷)

-احمق‌ترینها / برای گرفتن نوبل / به شبکه‌های بی‌بی‌سی و واشنگتن دخیل بسته‌اند... (قزوه، ۱۳۸۴: ۳۸) -گیتی، گیتار را ترجیح می‌دهد / سوزی بی‌آنکه خجالت بکشد / نامه «بوی فرندهایش» را برای مادرش می‌خواند / ... (قزوه، ۱۳۸۴: ۴۰).

-و تهمت، صله شعرهای من شد! / دلتنگ نیستم / و کفی بالله شهید! / بخشید اگر پایم را / از گلیمم بیشتر دراز کردم / تقصیر کوچکی گلیم بود!..... / شاعر / در میتینگ‌های ادبی / از سالن‌های مجلل سر در می‌آورد / شاعر وقت‌شناس باید فقط زیبایی‌ها را ببیند / مهم نیست اگر صندلی‌های چرخدار / چرخ غرور می‌زنند / مهم نیست اگر به اسلام وصله ناجور می‌زنند / شاعر باید مگسش را بیراند / شاعر باید چشمش کور باشد.... (قزوه، ۱۳۸۴: ۵۰).

بنابر این، قزوه اشعارش را گویا، صریح و با زبانی شیوا سروده و گاه، واقعیت‌های جامعه را با زبانی طنزآمیز مطرح نموده است. به همین دلیل، هدف از این پژوهش، بررسی

نویسنده این پژوهش با استفاده از معیار طنز کلامی متون طنز کودکان و مجلات رشد کودک و رشد نو آموز از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ را در پایان نامه خود به کار گرفته و کلیه طنزها و لطیفه های آنها را که به ترتیب ویژه کودکان پیش دبستانی، کلاس اول، کلاس دوم و کلاس سوم است؛ بر اساس رویکرد نظریه عمومی طنز کلامی تحلیل نموده است. نتایج این تحقیق نشان می دهد که چارچوب معرفی شده این قابلیت را دارد که برای تحلیل متون طنز کودکان در زبان فارسی به کار گرفته شود. همچنین از بین شش متغیر پایه مطرح در نظریه عمومی طنز کلامی، دو متغیر تقابل انگاره و مکانیسم منطقی از عوامل حاضر و بسیار مؤثر در ساختار متون طنز کودکان در زبان فارسی است. این پایان نامه در رابطه با طنز کودکان کار شده؛ در حالی که در این پژوهش بر روی شیوه های طنزپردازی اشعار قزوه انجام می شود؛ لذا بستر کار و متن پژوهش متفاوت است. -پایان نامه مینا رضایور با موضوع بررسی ویژگی های طنز کلامی در آثار نیل سایمون، پروژه عملی: نگارش نمایش نامه (چای برای دو نفر) با محوریت آثار نیل سایمون (۱۳۸۶)

نویسنده این پژوهش با استفاده از معیار طنز کلامی و طنز موقعیت، طنز کلامی را در پایان نامه خود بررسی نموده است. ضمن اینکه از میان ابزارها و امکانات زبانی پدید آورنده طنز کلامی، پرکاربردترین آنها را در این اثر مشخص کرده است. تفاوت این پایان نامه با این پژوهش در آن است که نویسنده این پایان نامه با استفاده از دو رویکرد طنز کلامی و طنز موقعیت این آثار را مورد بررسی و تحلیل قرار داده؛ اما این پژوهش تنها با بهره گیری از نظریه عمومی طنز کلامی نوشته می شود؛ همچنین متن این دو نیز با هم متفاوت هستند. -پایان نامه شاداب شریعت پناه با موضوع تحلیل گفتمان «وغ و ساهاب» بر پایه نظریه عمومی طنز کلامی و رویکرد اجتماعی و ن دایک با تکیه بر آثار آتاردو و ون دایک (۱۳۹۲).

نویسنده این پژوهش با استفاده از نظریه عمومی طنز کلامی آتاردو و رویکرد اجتماعی-شناختی ون دایک به منظور یافتن مهم ترین عامل سازنده طنز و عناصر و عوامل مؤثر در خلق این اثر بر اساس الگوی تحلیل گفتمان انتقادی

به همین دلیل، این تحقیق به بررسی مجموعه شعر قطار/اندیمشک بر اساس نظریه عمومی طنز کلامی با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و آماری به دنبال کشف شیوه های طنزپردازی قزوه است. همچنین درصد است تا بداند این نویسنده با بهره گیری از طنز کلامی در پی دستیابی به چه اهدافی است.

گفتنی است قطار/اندیمشک شامل گزیده ای از شش دفتر اشعار قزوه است که با موضوع دفاع مقدس و پایداری در قالب های مختلف شعری انتخاب شده است. سروده های این دفتر مربوط به سال های شاعری قزوه از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳ است و چاپ اول این کتاب در سال ۱۳۸۴ و در نشر لوح زرین بوده است.

۳. پیشینه پژوهش

پژوهش هایی در ارتباط با رویکرد مورد نظر در این تحقیق و همچنین درباره اشعار قزوه انجام شده است که در ادامه به تفکیک قالب کتاب، مقاله و پایان نامه بدان ها اشاره می شود.

پژوهش هایی که در قالب کتاب نوشته شده اند؛ عبارتند از:

- کتاب حسین بهزادی اندوه جردی با موضوع طنز و طنزپردازی در ایران (۱۳۷۸)

پژوهشگر در این اثر، افزون بر تشریح طنز، علل و اسباب پیدایش آن، نقش و تأثیر طنز، تعاریفی نیز از هزل و هجو و نظایر آن؛ جلوه هایی از طنز و طنزپردازی در ایران را بازگو کرده و ضمن تعاریفی از طنز و فایده طنز، تفاوت آن با هزل و هجو کاملاً تشریح و همچنین ارتباط طنز با جامعه شناسی، روان شناسی، اخلاق و تاریخ تبیین نموده است. چنان که مشاهده می شود این کتاب با پژوهش حاضر از نظر بستر پژوهش و رویکرد متفاوت است.

پژوهش هایی که در قالب پایان نامه نوشته شده اند؛ عبارتند از:

- پایان نامه زهرا جعفری زاده با موضوع تحلیل متون طنز کودکان از دیدگاه نظریه عمومی طنز کلامی (۱۳۹۴)

«بررسی طنز منثور در برخی از مطبوعات رسمی کشور بر اساس نظریه عمومی طنز کلامی» (۱۳۸۸)

در این مقاله پژوهشگران به توصیف و بررسی طنز منثور در مطبوعات رسمی طنز کشور پرداخته‌اند که از هفت مجله طنز برگرفته شده و بر اساس رویکرد نظریه عمومی طنز کلامی بررسی شده است. نتایج این تحقیق نشان از آن دارد که چارچوب معرفی شده این قابلیت را دارد که برای تحلیل متون طنز منثور در زبان فارسی به کار گرفته شود. بستر پژوهشی این مقاله با متن مورد نظر در این پایان‌نامه متفاوت است؛ هرچند که رویکرد یکسانی به کار رفته است. - مقاله سید ناصر جابری اردکانی و اسما حسینی با عنوان «شیوه‌های طنزپردازی در دو اثر از علی اکبر صحرایی (باتکیه بر نظریه عمومی طنز کلامی)» (۱۳۹۸)

در این مقاله پژوهشگران با تأکید بر نظریه عمومی طنز کلامی، دو اثر خمپاره خواب‌آلود و آنا هنوز هم می‌خندد را بررسی کرده‌اند. نتیجه حاصل از این پژوهش گویای آن است که اتفاقات و رخداد‌های اشتباهی برای شخصیت اول داستان نقش مهمی در داستان‌های صحرایی داشته و شیوه پایان غیرمنتظره در این آثار به کار رفته و همچنین آغاز و پایان متفاوتی داشته است. تفاوت این مقاله با این پژوهش آن است که متن مورد بررسی با متن مورد پژوهش متفاوت است. - مقاله «بررسی تطبیقی درون‌مایه اعتراض در شعر احمد مطر و علیرضا قزوه» از محسن حسینی مؤخر و حمید نجات (۱۳۹۵).

چنانکه از عنوان این مقاله پیداست؛ نویسندگان این مقاله به بررسی اشعار اعتراضی قزوه پرداخته‌اند و تحلیل و بررسی اشعار طنزآمیز قزوه با رویکرد مورد نظر در این پژوهش انجام نشده است.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت مطالعات صورت گرفته گاه از نظر بستر پژوهش و گاه از نظر پشته‌نانه نظری متفاوت انجام شده‌اند؛ چنان‌که مقاله سید ناصر جابری اردکانی و اسما حسینی با عنوان «شیوه‌های طنزپردازی در دو اثر از علی اکبر صحرایی (باتکیه بر نظریه عمومی طنز کلامی)» (۱۳۹۸)، مقاله شهلا شریفی و سریرا کرامتی یزدی با عنوان «بررسی طنز منثور در برخی از مطبوعات رسمی کشور بر اساس نظریه عمومی طنز

مدنظر، مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. بر اساس نتایج به دست آمده از بررسی متن وغ وغ ساهاب به تفکیک متغیرهای پایه در رویکرد نظریه عمومی طنز کلامی از میان شش متغیر موجود؛ متغیر هدف و زبان نقش بسیار مهمی در طنز شدن این اثر صادق هدایت بر عهده داشته است. چنان‌که مشاهده می‌شود رویکرد این پژوهش و متن مورد بررسی، متفاوت از پژوهش حاضر است.

- پایان‌نامه علی اشرف کریمی با موضوع مقایسه شیوه طنزپردازی دهخدا و کیومرث صابر فومنی (گل‌آقا) (۱۳۹۰)

در این پایان‌نامه، هدف، شناخت بهتر قالب طنز و شگردهای خلق طنز و توضیحی از توصیف شگردها و شیوه‌های طنزپردازی است. نویسنده این پژوهش شگردهای طنزپردازی این دو طنزپرداز (دهخدا و کیومرث صابر فومنی) را معرفی کرده و در مرحله بعد، آن دو را با هم مقایسه کرده است. نتیجه این تحقیق نشانگر آن است که طنز خاص گل‌آقا به دلیل ابهامات و کنایات در نوشته‌هایش چندان خنده‌انگیز نیست؛ اما نوشته‌های دهخدا با وجود اینکه نوعی خشم و عصبانیت در آنها احساس می‌شود؛ بسیار خنده‌برانگیز است.

- پایان‌نامه مریم جباری ثانی با موضوع بررسی مضامین شعری و زبانی علیرضا قزوه با تکیه بر آثار او (۱۳۹۴)

نویسنده این پژوهش ضمن ارائه تعاریف و شاخصه‌های پیرامون ادبیات پایداری، جریان شعر انقلاب، معرفی علیرضا قزوه، به بررسی سروده‌های او در دو محور اساسی مضامین شعری و زبان ادبی پرداخته که در بخش زبان ادبی تنها به طنزپردازی اشعار قزوه - بدون استفاده از نظریه عمومی طنز کلامی که در این پایان‌نامه استفاده می‌شود - اشاره کرده است. تفاوت این پایان‌نامه با پژوهش پیش رو این است که او از رویکرد و نظریه‌ای در پایان‌نامه خود استفاده نکرده است؛ در حالی که این پژوهش بر اساس نظریه عمومی طنز کلامی بررسی خواهد شد.

پژوهش‌هایی که در قالب مقاله نوشته شده‌اند؛ عبارتند از:

- مقاله شهلا شریفی و سریرا کرامتی یزدی با عنوان

به تغییر مجدد متن نمی‌شوند» (آتاردو، ۲۰۰۱: ۲۲ به نقل از شریعت‌پناه، ۱۳۹۲: ۵۴).

همان طور که بیان شد، نظریه عمومی طنز کلامی یک بازنگری در نظریه انگاره معنایی راسکین و مدل پنج سطحی^۳ باز نمودی لطیفه آتاردو است (همپلمن، ۲۰۰۰: ۳۳). در نظریه عمومی طنز کلامی، آتاردو، علاوه بر جنبه معنایی طنز به سایر جنبه‌های زبانی و غیر زبانی، توجه کرده است. مدل سلسله‌مراتبی شش سطحی که آتاردو این شش سطح را منابع دانش معرفی کرده است، ابزاری برای سنجیدن درجه شباهت بین متون طنز مشابه قلمداد می‌شود (شریعت‌پناه، ۱۳۹۲: ۵۴). مفهوم محوری در نظریه معنایی راسکین، مفهوم «تقابل انگاره بود که همچنان در نظریه جدید به عنوان یکی از متغیرهای پایه حضور مؤثر دارد، انگاره‌ها و قالب‌ها در اوایل دهه ۸۰ توسط نظریه‌پردازان مطرحی چون فیلموز و زبان‌شناسان اروپایی، برای نشان دادن مجموعه‌های گسترده‌ای از اطلاعات مرتبط با عناصر واژگانی به کار گرفته می‌شوند؛ اما پس از آن به دلیل تغییر مسیر مطالعات زبان‌شناختی، چندان مورد توجه آنها واقع نشد. راسکین با امانت گرفتن این مفهوم، از آن در مطالعات زبان‌شناختی طنز استفاده کرد. انگاره در نظریه راسکین واژه شاملی بود که «قالب» و «طرح‌واره» را هم در بر می‌گرفت (جعفری‌زاده، ۱۳۹۴: ۵۴ و ۵۵) که به توضیح آن در قسمت تقابل انگاره خواهیم پرداخت.

در ابتدا مدل اولیه پنج سطحی لطیفه آتاردو را مطرح می‌کنیم که دارای سطوح زیر بوده که این سطوح از انتزاعی‌ترین سطح (سطح پنجم) به عینی‌ترین سطح (سطح یکم) سازمان‌دهی می‌شدند:

۵. سطح پایه تقابل انگاره‌ای و مکانیسم منطقی
۴. سطح الگو در مقابل یکدیگر قراردادن (همبرنهادی)
۳. هدف + موقعیت انتخاب هدف و موقعیت
۲. زبان واژه‌ها، نحو و جمله
۱. سطح اولیه نتیجه: متن لطیفه

کلامی» (۱۳۸۸)، پایان‌نامه علی اشرف کریمی با موضوع مقایسه شیوه طنزپردازی دهخدا و کیومرث صابر فومنی (گل آقا) (۱۳۹۰)، پایان‌نامه شاداب شریعت‌پناه با موضوع تحلیل گفتمان «وغ و غ ساهاب» بر پایه نظریه عمومی طنز کلامی و رویکرد اجتماعی شناختی ون دایک با تکیه بر آثار آتاردو و ون دایک (۱۳۹۲) و پایان‌نامه مینا رضاپور با موضوع بررسی ویژگی‌های طنز کلامی در آثار نیل سایمون، پروژه عملی: نگارش نمایش‌نامه (جای برای دو نفر) با محوریت آثار نیل سایمون (۱۳۸۶) و همچنین پایان‌نامه زهرا جعفری‌زاده با موضوع تحلیل متون طنز کودکان از دیدگاه نظریه عمومی طنز کلامی (۱۳۹۴) بر اساس نظریه مورد نظر در این پژوهش و یا در ارتباط با طنز به صورت کلی در بستری متفاوت انجام شده‌اند؛ حال آن که پایان‌نامه مریم جباری ثانی با موضوع بررسی مضامین شعری و زبانی علیرضا قزوه با تکیه بر آثار او (۱۳۹۴) و مقاله «بررسی تطبیقی درون‌مایه اعتراض در شعر احمد مطر و علیرضا قزوه» از محسن حسینی مؤخر و حمید نجات (۱۳۹۵) در ارتباط با اشعار قزوه و نه اشعار طنزآمیز وی نوشته شده‌اند. افزون بر آن، کتاب حسین بهزادی اندوهج‌ردی با موضوع طنز و طنزپردازی در ایران (۱۳۷۸) فارغ از متن و نظریه مورد نظر در این جستار نوشته شده است. بنا بر این توضیحات، آشکار است که مقاله حاضر تاکنون انجام نشده؛ و نویسندگان برآنند تا با رویکردی تازه به بررسی اشعار طنز قزوه در مجموعه شعر قطار اندیمشک بپردازند.

۴. مبانی نظری پژوهش

نظریه عمومی طنز کلامی^۳ نظریه‌ای برپایه معناشناسی است؛ ولی زبان‌شناسی متنی و کاربرد شناختی را نیز در بر می‌گیرد. آتاردو و راسکین در سال ۱۹۹۹، نظریه انگاره معنایی طنز را گسترش داده و سپس آن را تحت عنوان نظریه عمومی طنز کلامی ارائه دادند. در نظریه عمومی طنز کلامی، بخش‌های پایه برای تحلیل متون طنز، لب مطلب و خطوط ضربه‌ای هستند. لب مطلب در بخش پایانی متن ظاهر می‌شود و باعث ایجاد شگفتی و به وجود آمدن طنز می‌شود و این در حالی است که «خطوط ضربه‌ای» ابزارهای طنز هستند و در درون می‌آیند و منجر

واقعی / غیر واقعی؛ قابل انتظار / غیر قابل انتظار؛ ممکن / غیر ممکن.

آتاردو بیان می‌کند که هر متن طنزآمیز، بیانگر حداقل یک منبع دانش تقابل انگاره است. تقابل انگاره یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین منابع دانش در متون طنز است (شریعت‌پناه، ۱۳۹۲: ۵۶). البته اینکه در متنی دو انگاره وجود داشته باشد لزوماً باعث ایجاد طنز نمی‌شود. متن‌های ایهامی استعاری، مجازی، تمثیلی، حماسی و رمزی حاوی انگاره‌های اصطکاکی هستند، اما لزوماً طنزآمیز نیستند. منظور از تقابل انگاره در طنزها، در کنار هم قرارگرفتن دو متضادی است که همنشینی آنها موجب خنده شود. به عبارتی، کنار هم بودن هر دو ضدی طنز نمی‌آفریند، بلکه دو ضدی موجب طنز می‌شود که بودنشان در کنار هم، وهم غیرمنتظره و تصوژناپذیر باشد. درواقع، متن لطیفه بالقوه طنزآمیز می‌شود اگر: ۱- سازگار با حداقل دو انگاره باشد؛ ۲- دو انگاره با یکدیگر متقابل باشند. یعنی حداقل در محدوده خود متن مخالف هم باشند. این متغیر انتزاعی‌ترین بخش منابع دانش است و آتاردو بیان می‌کند که هر متن طنزآمیز، بیانگر حداقل یک منبع دانش تقابل

در این مدل برای بررسی شیوه ایجاد طنز، حرکت از انتزاعی‌ترین سطح، که سطح تقابل انگاره و مکانیسم منطقی است، به سمت عینی‌ترین سطح، که در آن روساخت لطیفه شکل می‌گیرد؛ آغاز می‌شود. البته قابل ذکر است که سلسله‌مراتب فوق؛ با مراحلی که فرد تولیدکننده لطیفه در ذهنش به کار می‌بندد؛ مطابقت نمی‌کند و همانند دیدگاه‌های چامسکی در دستور زایشی، مدل فوق، صرفاً مدلی برای توصیف است (آتاردو، 1205.2008a، به نقل از شریعت‌پناه، ۱۳۹۲: ۳۵). همین سطوح بودند که با گسترش و اصلاحاتی در نظریه عمومی طنز کلامی تحت عنوان متغیرهای پایه‌ای منابع طنز مطرح شدند و مبنای تحلیل‌های این نظریه را فراهم نمودند (جعفری‌زاده، ۱۳۹۴: ۵۵).

در نظریه عمومی طنز کلامی، به منظور تحلیل متون طنز، متغیرهای پایه به کار گرفته شدند که عبارت بودند از: تقابل انگاره^۵، مکانیسم منطقی^۶، هدف^۷، موقعیت^۸، شیوه روایت^۹ و زبان^{۱۰} (شریعت‌پناه، ۱۳۹۲: ۵۵).

آتاردو معتقد است که وابستگی میان منابع دانش باعث به وجود آمدن، نظام سلسله‌مراتبی میان آنها شده است. در نظریه عمومی طنز کلامی، هر متن طنز، نمودی از این متغیرها است (آتاردو، ۲۰۰۱a: ۲۸؛ به نقل از شریعت‌پناه، ۱۳۹۲: ۵۵). تمرکز بر نظریه طنز کلامی بر مواد زبانی‌ای است که در تولید طنز به کار می‌رود. آتاردو اشاره می‌کند که استقلال و وابستگی در میان منابع دانش، نظام سلسله‌مراتبی را در میان آنها به وجود آورده است (جعفری‌زاده، ۱۳۹۴: ۵۵ و ۵۶). آتاردو نمودار سلسله‌مراتبی منابع شش‌گانه دانش را به صورت «تصویر ۱» ارائه می‌دهد.

حال به توضیح هر یک از منابع دانشپایه در نظریه عمومی طنز کلامی می‌پردازیم:

تقابل انگاره: تقابل انگاره از ضروریات یک متن طنز محسوب می‌شود: یک متن طنز به‌طور کامل و یا به صورت بخشی با دو انگاره متفاوت و در تقابل هماهنگ است (راسکین ۱۹۸۵: ۱). راسکین سه نوع تقابل پایه بین موقعیت‌های حقیقی و غیر حقیقی معرفی می‌کند که از هم‌پوشی انگاره‌های موجود در یک متن طنز برخاسته‌اند:



تصویر ۱. منابع شش‌گانه دانش در نظریه عمومی طنز کلامی.

انگاره است (جعفری زاده، ۱۳۹۴: ۵۷).

موقعیت: موقعیت همان پیش زمینه فرضی در طنز است و عبارت است از شرایط و مکانی که طنز در آن به وجود آمده است. متون طنز در مورد میزان اهمیتی که برای این متغیر قائلند آن است که موقعیت جایگاه تثبیت شده‌ای در میان متون طنز ندارد و این به هدف طنزآفرین از آفرینش طنز بستگی دارد. برخی از متون طنز به این متغیر بیشتر تأکید می‌کنند. به طور مثال اگر محور اصلی متن طنزپرداز، موقعیت باشد؛ این عنصر در آن پررنگ جلوه می‌کند. درحالی که برخی دیگر ممکن است این متغیر را کم اهمیت جلوه بدهند یا طنزپرداز به طور کلی آن را نادیده بگیرد (جعفری زاده، ۱۳۹۴: ۶۰).

هدف: فرد یا افرادی که در متن طنزآمیز آماج سخره و انتقاد قرار گرفته‌اند؛ هدف به شمار می‌روند. حضور این متغیر در متن اختیاری است. طنزهایی که تهاجمی نیستند یعنی کسی یا چیزی را مورد تمسخر یا انتقاد قرار نمی‌دهند؛ برای متغیر هدف، دارای ارزش تهی هستند (شریفی و کرامتی یزدی، ۱۳۸۸: ۱۱۸). بخش اصلی در هر متن طنز، هدف است (آتاردو، ۲۰۰۱: ۲۴ به نقل از شریعت پناه، ۱۳۹۲: ۵۷).

شیوه روایت: شیوه روایت همان چگونگی شیوه ارائه یک موضوع طنز است. به عبارت دیگر، به نوع ادبی^{۱۱} و یا زیرمجموعه‌های یک نوع ادبی^{۱۲} در یک متن طنز مربوط می‌شود. درواقع این مؤلفه نشانگر ژانر متن است که می‌تواند مکالمه، شعر، روایت ساده داستانی، لطیفه، چیستان و یا به صورت توالی سؤال و جواب، و مواردی از این دست باشد. در استفاده از هر یک از این شیوه‌های روایت، متن باید بدون هیچگونه حشوی ارائه شود تا لب مطلب از بین نرود (راسکین ۱۹۹۵ به نقل از شریعت پناه، ۱۳۹۲: ۵۸).

زبان: این متغیر شامل همه گزینش‌های آوایی، واجی، واژگانی، نحوی، معنایی و... است که منجر به تولید شده و در نهایت روساخت متن را تشکیل می‌دهند (آتاردو، ۲۰۰۱: ۲۲). زبان همه اطلاعات لازم را برای کلامی کردن متن در خود دارد و وظیفه جایگزینی عناصر نقشی مانند لب مطلب را که سازنده لطیفه است؛ بر عهده دارد (آتاردو، ۲۰۰۱: ۲۰۰۱).

۲۲). دیگر بخش‌های منابع دانش با این بخش «زبان» درهم تنیده شده و مجموعاً روساخت متن طنز را شکل می‌دهند (هلیمن، ۲۰۰۰: ۳۷).

نکته مهم در نظریه عمومی طنز کلامی این است که هدف‌ها و مکانیسم‌های منطقی در این نظریه می‌توانند اختیاری باشند یعنی متون طنز می‌توانند فاقد یکی و یا هیچ کدام از این دو متغیر باشند (شریعت پناه، ۱۳۹۲: ۵۸). در ادامه به بررسی اشعار طنزآمیز مجموعه شعر قطار/ندیمشک با استفاده از این نظریه می‌پردازیم.

۵. تحلیل داده‌های پژوهش

اکنون برای نشان دادن چگونگی عملکرد این نظریه و چگونگی تحلیل بر پایه آن، به ارائه اشعار طنز قزوه از کتاب قطار/ندیمشک (گزینه اشعار) و تحلیل آن پرداخته می‌شود:

نمونه اول

-دیروز در خیابان زنی را دیدم / که مانتوهای سبک
سامورایی را تبلیغ می‌کرد / با آستین‌های تنگ / مخصوص
آنان که با تیمم نماز می‌خوانند / و تاجری سه تیغه را / که
به مرد شش میلیون دلاری محل نمی‌گذاشت / هزارتا چاقو
می‌ساخت / همه‌اش را احتکار می‌کرد / در یک گوشه مردم
با دوحلقه لاستیک، خوشبخت می‌شدند... (قزوه، ۱۳۸۴: ۵۳).

در این شعر، تقابل انگاره در سطح بالاتر (انتزاعی) شامل عادی در مقابل غیرعادی است. شاعر به بیان اموری می‌پردازد که طبیعی نیست و در جای اشتباه و به شکل اشتباهی انجام می‌شود.

از منظر مکانیسم منطقی، به زندگی پوچ افرادی که در جامعه در کنار هم زندگی می‌کنند و به فکر منفعت شخصی خود هستند، و یا بدون در نظر گرفتن دیگران به امور خود می‌پردازند و حتی با انجام اعمالی چون احتکار، به نحوی حق دیگران را نیز ضایع می‌کنند؛ اشاره می‌شود. هدف در متن فوق واضح است و همان اختلاف طبقاتی است.

این دو در یک کفه ترازو قرار می‌گیرند. در بیت دیگر نیز این کنایه دیده می‌شود: خدای آفریننده شورای امنیت و منچ! که همچنان شاعر به ناتوانی این بار شورای امنیت می‌تازد. قزوه توانایی سازمان ملل و شورای امنیت را به زیر سؤال می‌برد. در این شعر تحلیل عدم تجانس بین دو انگاره آفریننده و سازمان ملل / شورای امنیت وجود دارد:

ای خدای آفریننده بادمجان و سازمان ملل
در اینجا شاعر به صراحت غیرکاربردی بودن سازمان ملل را اعلام می‌کند و آن را در تضاد با عنوانش می‌داند چراکه وظیفه سازمان ملل برقراری صلح است اما با متقابل اعلام کردن گیاه بادمجان در مقابل آن، عملاً ناتوانی و بی‌اعتباری این سازمان را اعلام کرده است. در مصرعی دیگر نیز همین طنز استفاده شده: خدای آفریننده شورای امنیت و منچ! که شورای امنیت را هم‌طراز با منچ قرار داده است و به ناتوانی این شورا پرداخته است. شاعر به کمک کنایه با کلمات بی‌ربط، طنز این شعر را به نتیجه رسانده و دو عنوان را در تجانس و تقابل هم به کار برده است.

هدف شاعر با تمسخر و به چالش کشیدن جایگاه سازمان ملل و شورای امنیت، ناتوان بودن آنها را در امر صلح جهانی بیان شده است. در این ابیات، به‌طور خاص دو موقعیت مورد تمسخر و تهاجم قرار می‌گیرد: سازمان ملل و شورای امنیت. این دو مورد اطلاعاتی هستند که پیش‌زمینه اصلی طنز را در این ابیات می‌سازند. همچنین در این ابیات، شیوه روایت ساده انتخاب شده که تنها در دو جمله، انتقاد شاعر به دو عنوان سازمان ملل و شورای امنیت بیان می‌شود و سادگی و سلیسی جملات انتخاب شده به بیان بهتر منظور شاعر کمک کرده است. چنانچه در این ابیات دیده می‌شود، انتخاب‌های زبانی متن، مرتبط با طنز است و استفاده از کلماتی خاص مانند بادمجان و منچ، هدف نویسنده را که انتقاد از سیستم‌هایی شکست خورده و ناتوان است؛ بیان می‌کند. زبان به سادگی و با حالتی عامیانه و خودمانی، بی‌اعتباری جایگاه‌های نام‌برده را مطرح می‌کند. در این نمونه، کلمه‌هایی که هر یک جداگانه طنزی ندارند اما در صورت کنار هم قرار گرفتن مفاهیم طنزآمیزی را به وجود می‌آورند؛ عبارتند از: خدای آفریننده بادمجان و سازمان ملل / خدای آفریننده شورای امنیت و منچ. (جدول ۲)

موقعیت همان سطح جامعه است. شیوه روایت، شعر ساده همراه با زبان طنزی است که شاعر انتخاب کرده است. قزوه در این شعر به تقابل افرادی پرداخته که در کنار هم تضادی را به وجود آورده‌اند. این تضاد به طنزی رسیده است مانند مردمی خوشحال با دو حلقه لاستیک. شاعر به دغدغه‌های اجتماعی عصر خویش پرداخته است؛ اینکه در زیر پوست شهر چه می‌گذرد. عده‌ای لباسی را تبلیغ می‌کنند که مناسب نیست و در جایی دیگر شخصی که تازه به دوران رسیده از راه احتکار به ثروتی دست یافته است، و البته مردمی که به کمترین‌ها در زندگی خود رضایت داده‌اند و با همان خوشبخت‌اند.

در این شعر، روایت ساده مطرح شده و زبانی عامیانه دارد. شاعر با لحنی تأثیرگذار منظور خود را رسانیده است و مخاطب با همین زبان ساده و عامیانه موضوعات مورد توجه شاعر را درک می‌کند. (جدول ۱)

جدول ۱. بررسی نمونه اول از شعر قزوه بر اساس نظریه عمومی طنز کلامی.

تقابل انگاره	عادی / غیرعادی، سود / سود نه
مکانیسم منطقی	طعنه و کنایه به امور روزمره و بوج
هدف	اختلاف طبقاتی
موقعیت	اجتماع
شیوه روایت	روایت ساده
زبان	روزمره و عامیانه

نمونه دوم

- ای خدای آفریننده بادمجان و سازمان ملل (قزوه، ۱۳۸۴: ۱۵۳)

- خدای آفریننده شورای امنیت و منچ! (قزوه، ۱۳۸۴: ۳۶)
در این شعر تضاد و تقابل اطلاعاتی وجود دارد. شاعر از آفریننده بادمجان و سازمان ملل در کنار هم نام می‌برد که اشاره به ناتوانی سازمان ملل دارد. این سازمان در تقابل با بادمجان قرار گرفته است و از نقش کم‌رنگ این سازمان در کنترل ظلم و جنگ می‌گوید. خدایی که گیاهی چون بادمجان را آفریده همان خدا سازمان ملل را نیز آفریده که

جدول ۲. بررسی نمونه دوم از شعر قزوه بر اساس نظریه عمومی طنز کلامی.

تقابل انگاره	خدا و آفریننده / خدا و آفریننده نه
مکانیسم منطقی	کنایه با کلمات بی ربط
هدف	بی اعتباری جایگاه
موقعیت	سازمان ملل و شورای امنیت
شیوه روایت	روایت ساده
زبان	روزمره و عامیانه

جدول ۳. بررسی نمونه سوم از شعر قزوه بر اساس نظریه عمومی طنز کلامی.

تقابل انگاره	آقا آری / آقا نه
مکانیسم منطقی	کنایه به صفت شخصیتی
هدف	مسئولان و سران
موقعیت	عراق / اجتماع
شیوه روایت	روایت ساده
زبان	روزمره و عامیانه

نمونه سوم

سلام آقای شعار / سلام آقای هوار / سلام آقای سه طبقه /
سلام آقای شش طبقه / آقای نه طبقه / آقای محلل / ...
(قزوه، ۱۳۸۴: ۵۸)

.... شب به خیر آقای میز! / تو را به صندلی ات سوگند
نمی دهم / که از عراق بیرون بروی / به صندلی ات سوگند /
که تو جز میز هیچ نمی فهمی / (قزوه، ۱۳۸۴: ۱۵۸).

قزوه در این شعر با استفاده از توصیف یک شخصیت
که تنها شعار می دهد و تصویرسازی از دارایی او، و نیز با
خطاب کردن آقا به او در حقیقت فضایی طنزآلود را به
نمایش گذاشته است. کلماتی همانند آقا، مرد، محلل
در شعر در معنایی طنزآمیز به کار رفته اند و در حقیقت
معنای ضد آنها مد نظر است و درواقع، استعاره تحکیمیه
به کار برده است. شاعر با بیان عبارتی چون آقای میز،
به شخصی اشاره دارد که تنها آن میز برایش مهم است
و حفظ سمت از همه چیز بالاتر است چراکه غیر از آن هم
چیزی نمی داند. با استفاده از مکانیسم منطقی کنایه، آقا
را به نشانه مسخره کردن سمت فردی نالایق، به کار برده
است. در کل شعر این انگاره وجود دارد که فردی در مقام
ناجایی به خدمت گماشته شده که توانایی و علم استفاده از
آن را ندارد و با ناحق آن جایگاه را داراست. وی درحقیقت
آقا نیست و مقامی فاقد شخصیت دارد چراکه با وجود عدم
علم و توانایی همچنان آن مقام را نگه داشته است. استفاده
از زبان محاوره و روزمره در کنار به کارگیری عباراتی چون
قسم دادن به صندلی، از نکات قابل توجه این شعر است.
(جدول ۳)

نمونه چهارم

- آی مردان چرت / مردان خط و خطبازی / مردان خرناسه /
... (قزوه، ۱۳۸۴: ۶۲).

با خواندن این ابیات این موضوع روشن می شود
که شاعر در حال طعنه زدن به اشخاصی است که در
موقعیت درستی قرار ندارند و شایسته مقامشان نیستند.
انسانهایی بدون شایستگی و دو رنگی که با دغل بازی به
جایگاهشان رسیده اند. انگاره اولیه در ذهن مخاطب این
بی لیاقتی را نشان می دهد و با اضافه شدن صفات بیشتر
این انگاره بیشتر تقویت می شود. مردانی را خطاب کرده
است که با وجود نام مرد اما معنایی دیگر را می رسانند، آنها
بجای عمل، خرناس می کشند و به دروغ بر جایگاهشان
نشسته اند. مکانیسم منطقی یک شخص خاص است، یک
مسئول و همچنین تمام کسانی که به اشتباه در جایگاهی
قرار گرفته اند. هدف نیز همین مردانی هستند که مردانگی
نداشته و پوچ و بی هویت اند. به نظر می رسد که موقعیت
اشاره به سطح اجتماع داشته باشد که با زبانی روزمره و
عامیانه، شاعر آنها را مورد خطاب قرار می دهد. (جدول ۴)

جدول ۴. بررسی نمونه چهارم از شعر قزوه بر اساس نظریه عمومی طنز کلامی.

تقابل انگاره	مردانگی آری / مردانگی نه
مکانیسم منطقی	کنایه به شخص خاص / تمسخر مردانگی برخی
هدف	مسئولان و سران
موقعیت	اجتماع
شیوه روایت	روایت ساده
زبان	روزمره و عامیانه

نمونه پنجم

-مادر سه شهید دق کند / امام خون دل بخورد / حلیمه
به خاک سیاه بنشیند / و حاج آقا صیغه چهاردهم را
بخواند / ... (قزوه، ۱۳۸۴: ۳۶).

شاعر در این ابیات در ابتدا به مادر شهید سپس
امام و حلیمه اشاره دارد که هر یک دردی دارند و آنها را
در تقابل با حاج آقا می‌داند که بی‌توجه به درد اجتماع به
دنبال زندگی شخصی خود است. انگاره اول تقابل این دو
دسته را مشخص می‌کند که در ابتدا تصور بر این است
شرح حالی از مشکلات داده می‌شود اما ناگهان با اشاره به
شخصیتی دیگر، انگاره اینکه افرادی بی‌توجه به امور مردم
به زندگی خود مشغولند، شکل می‌گیرد و با زبانی طنزآمیز و
طعنه‌آمیز، این دو دسته را مقابل هم قرار می‌دهد. مردمانی
که درد می‌کشند در کنار مردمانی که از درد بقیه بی‌اطلاع
هستند. مکانیسم منطقی آن کنایه به همان مردمانی است
که دردمند نیستند و به امور خود مشغولند. هدف طعنه به
افراد است که درد جامعه را نمی‌بینند و به فکر امورات
شخصی خود هستند. موقعیت اجتماع است که سطح
توقعات اجتماعی برای همه یکسان در نظر گرفته نشده
است. شیوه روایت آن است که با زبانی ساده این مشکل
اجتماعی مطرح شده و زبانی ساده و عامیانه داراست.

(جدول ۵)

جدول ۵. بررسی نمونه پنجم از شعر قزوه بر اساس نظریه عمومی
طنز کلامی.

تقابل انگاره	درد آری / درد نه، همدردی آری / همدردی نه
مکانیسم منطقی	کنایه به شخص خاص، مقایسه دو دسته
هدف	مردم دردمند و مردم بی‌خیال
موقعیت	اجتماع
شیوه روایت	روایت ساده
زبان	روزمره و عامیانه

۱- براساس نظریه عمومی طنز کلامی، ویژگی‌های
اشعار قزوه کدامند؟

۲- قزوه با بهره‌گیری از طنز کلامی در پی دستیابی به
چه هدف / اهدافی است؟

۳- براساس نظریه عمومی طنز کلامی، قزوه از کدام
یک از مؤلفه‌های طنز کلامی بیشترین استفاده را داشته
است؟ و این امر نشانگر چیست؟

بدین منظور در این پژوهش سه فرضیه مطرح شد که
در ادامه ضمن تأیید یا ردّ این فرضیات به پرسش‌ها نیز
پاسخ داده می‌شود.

فرضیه اول: «به نظر می‌رسد قزوه در آثار منظوم خود
از چهار ویژگی طنز کلامی شامل شیوه روایت، زبان،
مکانیسم منطقی و موقعیت استفاده کرده است». برای
تبیین این فرضیه لازم است نگاهی به جدول زیر داشته
باشیم. چنان‌که در این جدول مشاهده می‌شود؛ قزوه در
این مجموعه شعر، از شش ویژگی طنز کلامی یعنی تقابل
انگاره، مکانیسم منطقی، هدف، موقعیت، شیوه روایت و
زبان که استفاده کرده است. بنا بر این، فرضیه اول تا حدّی
رد می‌شود.

جدول ۶. بسامد کاربست مؤلفه‌های طنز کلامی در اشعار طنز قزوه.

شماره جدول	تقابل انگاره	مکانیسم منطقی	هدف	موقعیت	شیوه روایت	زبان
جدول ۱	۲	۳	۱	۱	۱	۱
جدول ۲	۲	۲	۱	۲	۱	۱
جدول ۳	۲	۲	۱	۲	۱	۱
جدول ۴	۳	۲	۱	۱	۱	۱
جدول ۵	۲	۲	۲	۱	۱	۱
تمام جداول	۱۱	۱۱	۶	۷	۵	۵

فرضیه دوم: «ویژگی‌های اشعار وی بر اساس نظریه
عمومی طنز کلامی را می‌توان «قدرت تخیل او به روش
اعتراض‌آمیز و یا نیز گاهی دانش او را با بیان طنزآمیز
واقعیت‌های تلخ جامعه» دانست که احوال شعرهای خود
را به طنز کلامی و کنایه‌آمیز کشانده است.

۶. یافته‌های پژوهش

چنان‌که در فصل اول بیان شد؛ در این پژوهش در پی
پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها بودیم که به شرح زیر است:

خود به دنبال اعلام کردن اعتراض و انتقاد خود در بسیاری اوقات است».

برای تبیین این فرضیه نیز لازم است نگاهی به نتایج حاصل از جداول ۱ تا ۵ داشته باشیم. چنان که پیش تر اشاره شد؛ هدف در طنز کلامی این قابلیت را دارد که شخص و یا وضعیت خاصی را مورد انتقاد قرار دهد. طبق «جدول ۱» هدف اختلاف طبقاتی است که شاعر با انتقاد خود به دغدغه‌های اجتماعی پرداخته است. بر اساس «جدول ۲»، شاعر با استفاده از کلماتی خاص مانند بادمجان و منج، هدف خود را که انتقاد از سیستم‌های شکست خورده و ناتوان است؛ بیان می‌کند و با زبانی ساده و حالتی عامیانه و خودمانی، بی‌اعتباری جایگاه‌های یادشده را مطرح می‌کند. طبق «جدول ۳»، قزوه با زبانی روزمره و عامیانه که برای خواننده قابل درک است، نحوه زندگی و شرایط زندگی مسئول، (آقا/ میز) را مورد انتقاد قرار می‌دهد. بر اساس «جدول ۴»، هدف، مسئولان و سران هستند و آنها را مورد انتقاد قرار گرفته‌اند: مردان چرت، خط و خطباز، مردان خرناسه شخصیت‌هایی هستند که نقش سیاسی و اجتماعی آنها برخلاف سِمَتشان بی‌نتیجه است. در شیوهٔ روایت، شاعر با روایتی ساده اشاره به افرادی دارد که شخصیت‌شان در تضاد با موقعیت‌شان است و روی صحبتش را به سمت آنها گرفته و آنها را مورد انتقاد قرار می‌دهد: «ای مردان چرت / مردان خط و خطبازی / مردان خرناسه» و با زبان روزمره و عامیانه به اشخاص خاص اشاره می‌کند. متن آی مردان چرت ... ساده و انتقادی است و خواننده را مقابل اشخاصی قرار می‌دهد که مورد نکوهش شاعر قرار دارند. طبق جدول ۵، قزوه با هدف طعنه به افرادی که جامعه را نمی‌بینند و به فکر امورات شخصی خود هستند؛ با روایت ساده و زبانی عامیانه اعتراض خود را بیان می‌کند.

بنابر این، به‌طور کلی و با توجه به نمودار زیر می‌توان گفت قزوه شش ویژگی طنز کلامی را در اشعار خود به کار برده است و طبق فرضیهٔ دوم که «ویژگی اشعار قزوه بر اساس نظریه عمومی طنز کلامی می‌تواند شامل قدرت تخیل او را به روش اعتراضی و نیز بیان طنزآمیز واقعیت‌های تلخ جامعه که احوال شعرهای طنز خود را به طنز کلامی

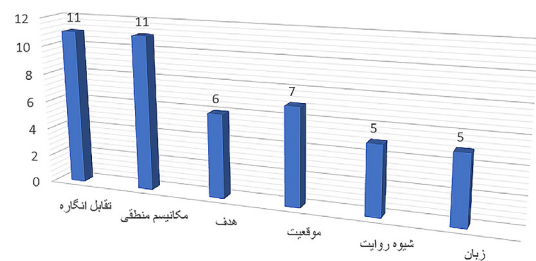
چنان که در «جدول ۱» مشاهده کردیم، موقعیت که اجتماع است و هدف نیز اختلاف طبقاتی است؛ با میزان نسبتاً بالایی کاربرد داشته است. قزوه در این اشعار به تقابل افرادی پرداخته که در کنار هم تضادی را به وجود آورده‌اند و این تضاد به طنزی رسیده است؛ مانند «مردی خوشحال با دو حلقه لاستیک». بنابر این، به‌طور کلی شاعر به دغدغه‌های اجتماعی عصر خویش پرداخته است؛ اینکه در زیر پوست شهر چه می‌گذرد، و از نظر مکانیسم منطقی شاعر با طعنه و کنایه، به زندگی پوچ افرادی که در جامعه در کنار هم زندگی می‌کنند و به فکر منفعت شخصی خود هستند؛ می‌پردازد و به نحوی به تضييع حق دیگران اشاره می‌کند. به همین دلیل، احوال شعرش را به حالت کنایه کشانده است. پس این امر نیز با فرضیه دوم همخوانی و مطابقت دارد. بر اساس جدول ۲ نیز قزوه با آوردن عبارتی چون خدای آفریننده بادمجان در کنار سازمان ملل به نحوی این سازمان را از نظر اعتبار زیر سؤال برده و از کنایه استفاده نموده است. لذا قزوه باز هم از کنایه استفاده کرده که طبق فرضیه دوم بار دیگر نیز احوال شعرهای خود را به حالت کنایه‌آمیز کشانده است. بر اساس جدول ۳، قزوه با استفاده از مکانیسم منطقی کنایه، آقا را به نشانهٔ مسخره کردن فردی نالایق، به کار برده که در اینجا نیز طبق فرضیه دوم، قزوه از کنایه استفاده کرده است. بر اساس جدول ۴، در اینجا نیز شاعر با نگاهی کنایه‌آمیز و تمسخرگونه واژه مردان را زیر سؤال برده، مردان چرت! دو کلمه در تقابل با یکدیگر که مکانیسم منطقی آن درواقع یک شخص خاص است. در اینجا هم قزوه با به کار بردن کنایه شعر را به طنز کشانده است که با فرضیهٔ دوم مطابقت دارد. طبق جدول ۵ که مکانیسم منطقی و کنایه به شخص خاص است و با مقایسه دو دسته کنایه به مردمانی است که دردمند نیستند، به امور خود مشغول هستند و درواقع طعنه به افرادی است که درد جامعه را نمی‌بینند و تنها به فکر امورات شخصی خود هستند که طبق فرضیه دوم قزوه واقعیت‌های جامعه را در شعر خود با کنایه به خواننده رسانده است. پس نتیجهٔ این جدول هم با فرضیهٔ دوم همخوانی و مطابقت دارد. بنابر این، به‌طور کلی و با استفاده از جداول ۱ تا ۵ فرضیه دوم نیز تأیید می‌شود.

فرضیه سوم: «قزوه با بهره‌گیری از عناصر طنز کلامی

۷. نتیجه‌گیری

درواقع، بررسی طنز او، دیدگاهش را درباره‌ی درد و مشکلات مردم، اختلاف طبقاتی اقشار مختلف جامعه نشان می‌دهد. در شعرهای اوتقابل انگاره و مکانیسم منطقی جایگاه بالاتری نسبت به دیگر مؤلفه‌های طنز کلامی دارد. کاربرست فراوان این دو مؤلفه طنز کلامی را می‌توان به عنوان شاخص سبکی شعر طنز قزوه در نظر گرفت. همچنین، طبق یافته‌های این پژوهش، تقابل دو انگاره گاهی بر اساس مقابله با شخصیت منفی، و گاهی با رسوایی و افشای شخصیت منفی شکل می‌گیرد که اولی مبتنی بر واقع‌گرایی و دومی مبتنی بر آرمان‌گرایی و نگاه ایدئولوژیک است. بنابر این می‌توان گفت طنزهای او نجات‌بخش و یا افشاگر و رسواکننده هستند. از سوی دیگر، بررسی مکانیسم منطقی در این مجموعه شعر نشان می‌دهد که تنوع این متغیر نیز از دیگر متغیرها بیشتر است. به طور کلی و با توجه به اینکه اشعار طنزآمیز قزوه با رویکرد میان‌رشته‌ای ادبیات و زبان‌شناسی تاکنون بررسی نشده؛ یافته‌های این پژوهش نیز کاملاً متفاوت از نتایجی است که دیگر پژوهش‌ها در ارتباط با اشعار قزوه به دست داده‌اند.

و کنایه‌آمیز کشانده است» می‌تواند باشد. در نتیجه یکی از ویژگی‌های مجموعه شعر قطار/اندیشک قزوه که در این پژوهش اثبات شد؛ آن است که وی با کاربرست کنایه بسیاری از واقعیت‌های جامعه را به تصویر کشانده است و با بهره‌گیری از عناصر طنز کلامی به دنبال اعلام کردن اعتراض و انتقاد در اشعار طنزآمیز خویش است.



نمودار ۱. بسامد کاربرست مؤلفه‌های طنز کلامی در اشعار طنز قزوه

پی‌نوشت‌ها

۱. در این پژوهش «طنز» به عنوان معادلی برای واژه Humor که انواع مقولات غیر جدی را شامل می‌شود؛ به کار گرفته شده است. چنان‌که شریفی و کرامتی یزدی طنز را معادل واژه humor در زبان انگلیسی می‌گیرند که به معنای وسیع کلمه و به عنوان واژه شامل و چتر واژه‌ای برای انواع مقولات غیرجدی زبان همچون هجو، هزل، طعنه، حاضرجوابی، پارودی، کاریکلماتور و دیگر موارد از این دست است (۱۳۸۸: ۱۱۱).
۲. برای اطلاع بیشتر ر.ک. حنیف، محمد و حنیف، محسن. (۱۳۸۸).

3. GTVH
4. Five level Joke representation
5. opposite image
6. logical mechanism
7. target
8. situation
9. narrative strategy
10. language
11. Genre
12. Micro Genre

فهرست منابع

اشرف کریمی، علی (۱۳۹۰)، مقایسه شیوه طنزپردازی دهخدا و کیومرث صابر فومنی (گل آقا)، *پایان‌نامه کارشناسی/ارشد*، دانشگاه رازی.
اصلانی، محمدرضا (۱۳۸۴)، تعامل و جنسیت و کارکردهای آن در ادبیات داستانی معاصر فارسی، *پایان‌نامه کارشناسی/ارشد*، دانشگاه

پیام نور استان تهران.

- ایشانی، طاهره (۱۳۹۴)، *گفتمان فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در شعر دفاع مقدس*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بهزادی اندوهجردی، حسین (۱۳۷۸)، *طنز و طنزپردازی در ایران*، تهران: نشر صدوق.
- پارس‌پور، آیدا و خویننی، عصمت (۱۳۹۵)، محتوای طنز در آثار محمدعلی افراشته، *زبان و ادب فارسی*، شماره ۲۸ و ۲۹، ۱-۴۲.
- جباری ثانی، مریم (۱۳۹۴)، بررسی مضامین شعری و زبانی علیرضا قزوه، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه ارومیه.
- جعفری‌زاده، زهرا (۱۳۹۴)، تحلیل متون طنز کودکان از دیدگاه نظریه عمومی طنز کلامی، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرو دشت.
- حسینی اسما، سید جابری اردکانی، ناصر (۱۳۹۶)، شیوه طنزپردازی در دو اثر از اکبر صحرایی (با تکیه بر نظریه عمومی طنز کلامی)، *ادبیات پایدار*، سال هفتم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ۶۱-۸۱.
- حسینی مؤخر، محسن؛ حمید، نجات (۱۳۹۵)، بررسی تطبیقی درون‌مایه اعتراض در شعر احمد مطر و علیرضا قزوه، *مطالعات تطبیقی فارسی و عربی*، شماره ۲، ۳۹-۶۶.
- حنیف، محمد و حنیف، محسن (۱۳۸۸)، *کند و کاوی پیرامون ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدس*، چاپ اول، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- رجایی، نجمه (۱۳۸۲)، *شعر و سرور (تحلیل شعر انقلاب در ادبیات عرب)*، چاپ اول، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- رضا پور، مینا (۱۳۸۶)، بررسی ویژگی‌های طنز کلامی در آثار نیل سایمون پروژه عملی: نگارش نمایشنامه (چای برای دو نفر)، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تربیت مدرس.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۸۹)، *ادبیات دفاع مقدس (مباحث نظری و شناخت اجمالی گونه‌های ادبی)*، چاپ اول، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- شریعت‌پناه، شاداب (۱۳۹۲)، تحلیل گفتمان «وغ و غ ساهاب» بر پایه نظریه عمومی طنز کلامی و رویکرد اجتماعی شناختی ون دایک، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه فردوسی مشهد.
- شریفی، شهلا و سریرا کرامتی یزدی (۱۳۸۸)، بررسی طنز منثور در برخی از مطبوعات رسمی طنز کشور بر اساس نظریه عمومی طنز کلامی، *فصلنامه زبان و ادب فارسی*، شماره ۴۲، ۱۳۱-۱۰۹.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۰)، *با چراغ و آینه (در جست‌وجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران)*، تهران: سخن.
- شیری، قهرمان (۱۳۷۶)، *راز طنزآوری*، ماهنامه ادبیات معاصر، تهران: سال دوم، شماره ۱۷.
- ضیف، شوقی (۱۳۷۶)، *پژوهش ادبی*، ترجمه عبدالله شریفی خجسته، چاپ اول، تهران: علمی و فرهنگی.
- عیسیوند حیدری، اکرم (۱۳۹۴)، مضامین و شگردهای طنز در ادبیات پایداری انقلاب اسلامی با تکیه بر آثار نه شاعر برگزیده، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه تبریز.
- فرهنگی، لیلا (۱۳۹۶)، *طنز کلامی در شعر فرانوی اکبر اکسیر*، پژوهش‌های ادبی و بلاغی، شماره ۲۱، ۹۵-۱۰۷.
- قزوه، علیرضا (۱۳۸۴)، *قطار اندیمشک*، تهران: لوح زرین.
- مهرآوران، محمود و روان‌بخش، محمدحسین (۱۳۹۹)، *متن‌شناسی طنز (با تعریف «طنز» بر اساس نظریات ادبی معاصر)*، پژوهش‌های ادبی، شماره ۶۹، ۱۴۵-۱۶۴.

